Archive of SID.ir

Religious Research
Vol. 12, No. 24, March 2025, 229-256

From Charity to Poverty Alleviation: The Catholic Church's Transition from Individual Morality to Social Issues from the Perspective of Social Catholicism

Jamshid Mirzaei[1]
Gholamreza Ghaffary[2]
Sara Mazinani Shariati[3]

(Received on: 2024-02-08; Accepted on: 2024-06-30)

Abstract

Poverty and destitution have been undeniable realities in societies throughout history. In addition, the social and ethical teachings of major world religions, particularly the Abrahamic faiths, have consistently emphasized the importance of aiding the poor, incorporating religious exhortations and moral guidance to support those in need. As Shariati (2013, 84) states, "The economic ethics of all Abrahamic religions are built upon combating poverty and are intertwined with values such as benevolence, cooperation, and solidarity." In fact, "the common approach across all religions to poverty reduction is assisting the needy—charity and religion go hand in hand" (Ranganathan and Henley 2008). This article, employing a socio-historical perspective, analyzes the causes, factors, and conditions that led to a fundamental transformation in the Catholic Church's theoretical and practical approach to poverty and the poor.

Keywords: Social Catholicism, Church, religious charity, almsgiving, social justice, social issues, poverty alleviation.

1 . PhD, Sociology (Social Issues), University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author).
Email: jamshid.mirzaei@ut.ac.ir
2 . Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: ghaffary@ut.ac.ir
3 . Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: smazinani@ut.ac.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پژوهش‌های ادیانی
سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ص ۲۳۰ - ۲۵۶

از فقیرنوازی تا فقرزدایی؛ گذار کلیسای کاتولیک از اخلاق فردی به مسائل اجتماعی از منظر کاتولیسیسم اجتماعی

جمشید میرزایی[۱]
غلامرضا غفاری[۲]
سارا مزینانی شریعتی[۳]

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰]

چکیده

نیازمندی و فقر در جوامع مختلف و در طول تاریخ، پدیده‌ای انکارناپذیر است. در کنار این موضوع، در آموزه‌های اجتماعی و اخلاقی ادیان بزرگ و جهانی به‌ویژه ادیان ابراهیمی توجه خاصی به فقرا شده است و دربرگیرنده توصیه‌های مذهبی و اندرزهای اخلاقی برای دستگیری از نیازمندان است؛ تا جایی که «اخلاق اقتصادی همهٔ ادیان ابراهیمی بر مبارزه با فقر شکل گرفته و با ارزش‌هایی چون احسان، تعاون و همبستگی پیوند خورده است» (شریعتی، ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۸۴). درواقع «راهکاری که در همه ادیان درباره کاهش فقر وجود دارد، کمک‌کردن به افراد نیازمند است. بخشش و مذهب دست در دست هم دارند» (Ranganathan and Henley,2008) در مقاله حاضر با رویکرد جامعه‌شناختیِ تاریخی، به تحلیل علل و عوامل و شرایط مختلفی پرداخته می‌شود که موجب تحول بنیادین در شیوهٔ مواجههٔ نظری و عملی کلیسای کاتولیک با مسئله فقر و فقرا شد.

کلیدواژگان: کاتولیسیسم اجتماعی، کلیسا، خیریه مذهبی، فقیرنوازی، عدالت اجتماعی، مسائل اجتماعی، فقرزدایی

---

۱. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی (گرایش بررسی مسائل اجتماعی)، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)
jamshid.mirzaei@ut.ac.ir
۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران ghaffary@ut.ac.ir
۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران smazinani@ut.ac.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

طرح و بیان مسئله

با گذر از سده‌های میانه و با نگاهی به گذشته، می‌توان با رویکردی اجتماعی، تاریخی و تحلیلی، سنت مذهبیِ دستگیری از فقیران امت مسیح و فقیرنوازیِ رایج در کلیسای کاتولیک را بررسی کرد. از نظر ضرورت و اهمیت پژوهش باید گفت تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی چند قرن گذشته، تأثیرات شگرفی بر ساختار، نهاد و رویکردهای کلیسای کاتولیك گذاشته است و حرکت کلیسای کاتولیك به سمت حوزه مسائل اجتماعی، به نوبه خود از یك سو تأثیرات فراوانی بر متفکران اجتماعی نظیر امیل دورکیم، مارسل موس و ... داشته است و از سوی دیگر می‌تواند منبع الهام‌بخشی برای مفهوم‌پردازی «اسلام اجتماعی» در عصر ما باشد. بنابراین ضرورت مضاعفی وجود دارد که با رویکردی علمی، روشمند، جامعه‌شناختی، تاریخی و تحلیلی به بررسی روند تحولات کلیسای کاتولیک در گذار از اندرزهای اخلاقی (محبت به فقیران و فقیرنوازی) به عرصه مسائل اجتماعی پرداخته شود. با صورت‌بندی گزاره‌های فوق می‌توان گفت مسئله اصلی و «پرسش کانونی (focal questions)» پژوهش حاضر این است که چرا و چگونه سنت اخلاقی فقیرنوازیِ کلیسای کاتولیک به رویکرد عدالت اجتماعی و فقرزدایی تحول یافت؟

هدف این پژوهش پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱. جایگاه امور خیریه در اندیشه و عمل مسیحیان کاتولیک چه فراز و فرود تاریخی داشته است؟ ۲. چه نقدهایی را می‌توان بر سنت مذهبیِ فقیرنوازی در مسیحیت (کلیسای کاتولیک) وارد کرد؟ ۳. تحولات فکری و اجتماعی در دوره مابعد نوزایی (Post Renaissance) و نیز تغییرات سریع اجتماعی و سیاسی قرون نوزده و بیستم میلادی چه تأثیراتی بر اتخاذ رویکرد اجتماعی در کلیسای کاتولیک گذاشت؟

روش‌شناسی پژوهش

برای فهم اینکه فقر و فقیر چه تصویری در تاریخ مذهب کاتولیک داشته‌اند و اصحاب کلیسا در امر اجتماعی خیر مذهبی چه مواردی را توصیه کرده و انجام داده‌اند، می‌بایست

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

به متون مقدس و گفتار آبای کلیسا و تاریخ مذهب کاتولیک رجوع کرد؛ چراکه «شناخت تاریخی که حاصل تحقیقات تاریخی است، به تبیین کلیت یک نظام اجتماعی یا حیات گروه‌های اجتماعی در برهه‌هایی از زمان گذشته می‌پردازد» (ایمان، ۱۳۹۷هـ.ش، ص ۱۳۳). در این نوشتار با بررسی فرازوفرودهای تاریخی مذهب کاتولیک، جایگاه امور خیریه در اندیشه و عمل مسیحیان کاتولیک بررسی می‌گردد. با توجه به ماهیت موضوع و فراهم‌سازی پاسخ مناسب برای پرسش‌های پژوهش، از شیوه پژوهش تاریخی در ابعاد توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ چراکه به تعبیر مونتگمری (۱۹۹۹) «تحقیق تاریخی به دنبال بررسی، تفسیر یا تحلیل انتقادی از اسناد، شواهد و مدارک تاریخی است تا بتواند بر اساس آن به بازسازی یا بازآفرینی گذشته، به جای آفرینش آن بپردازد» (ایمان، ۱۳۹۷هـ.ش، ص ۳۵). درمجموع پژوهش حاضر از نوع و رویکرد تحقیقی - تاریخی (توصیفی - تحلیلی) است و به طور مشخص از نظر ماهیت داده‌ها در دستهٔ تحقیقات کیفی، از نظر هدف در دسته تحقیقات نظری و از نظر روش گردآوردی داده‌ها در دستهٔ تحقیقات اسنادی- کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد.

ردیابی توجه به فقر و خیریه در مسیحیت

در الهیات اولیهٔ مسیحیت می‌توان چهار جنبه از آموزه‌های دینی و اجتماعی مرتبط با بحث حاضر را تشخیص داد: «۱. اولین مورد کلمه یونانی آگاپه (agape) است. این کلمه بیان‌کنندهٔ ایده‌ای کلیدی در مسیحیت است و به معنای عشقی است که خداوند به همه انسان‌ها دارد و همچنین عشقی که همه انسان‌ها باید به یکدیگر داشته باشند (Jackson,1999). محبت خداوند به انسان مبنای توصیه به "دوست‌داشتن و محبت‌کردن به هم‌نوع" (love thy neighbor) یا دیگری است و جهانی‌بودن این خواست رابطهٔ بین «من» و «دیگری» را به موضوع اصلی تبدیل می‌کند؛ ۲. عشق‌ورزیدن یا دوست‌داشتن هم‌نوع

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با مفهوم خیریه (Charity) ارتباط تنگاتنگی دارد و عالی‌ترین شکل محبت خدا دانسته می‌شود. محبت متقابل بین خدا و نوع بشر در اعمال خیریه تجلی می‌یابد که بیان‌کنندهٔ عشق غیرخودخواهانه (unselfish) به هم‌نوعان است؛ ۳. سومین عنصر از "برادران روحانی" (friars) مسیحی اولیه اقتباس شده است که ایده‌ای از برادری (fraternity) را ایجاد کردند که نشان‌دهنده آمادگی برای شراکت و تسهیم دارایی‌ها با دیگران است؛ همان طور که فرد در یک خانواده انجام می‌دهد؛ ۴. درنهایت مجموعه بزرگ اخلاق اجتماعی که در یهود و مسیح مشترک است و به برادری انسان (Brotherhood of Man) اشاره می‌کند. این درک یعنی همه مردم برادر و خواهر هم و به اصطلاح فرزندان خدا هستند. این اخلاقیات اجتماعی بین دو حد آونگ‌آسا در حال نوسان بوده است (Stjernø ,2004:61). نکته‌ای که باید یادآور شد این است که تغییر و دگردیسی مفهوم عشق یا آگاپه یونانی به مفهوم خیریه مسیحی نه به یک‌باره، بلکه به میانجی مفهوم «کاریتاس» (Caritas) تکوین یافت. این مفهوم در فرهنگ و آموزه‌های مذهبی کاتولیسیسم جایگاه خاصی در امور مربوط به فقیرنوازی و توجه به فقرا دارد. آیات و گزاره‌های فراوانی در متون مقدس درباره تقویت ایمان و رستگاری مؤمنان و تکریم فقیران آمده است. در ادامه فقراتی از کتاب مقدس و نیز نمونه‌هایی از سخنان قدیسان مسیحی در باب توجه به فقیران و لزوم دستگیری مؤمنان از نیازمندان بیان می‌شود.

عیسی مسیح: «هنگامی که مهمانی برپا می‌کنی، دوستان، برادران، خویشان یا همسایگان غنی خود را که توانایی جبران‌کردن لطف تو را دارند، دعوت مکن، بلکه تنگدستان و ناتوانان را دعوت کن؛ کسانی که توان پاسخ‌گویی محبت تو را ندارند و بدان که خداوند پاسخ کرامت تو را خواهد داد» (انجیل لوقا، فصل ۱۴، آیات ۱۲ تا ۱۴). در متی (باب ۲۵) آمده است: «چون گرسنه بودم، طعامم دادید؛ تشنه بودم، سیرابم نمودید؛ غریب بودم، جایم دادید؛ عریان بودم، مرا پوشاندید؛ مریض بودم، به عیادتم آمدید» (آیات ۳۵ تا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳۷). بنا به گفته مسیح به روایت انجیل جان: «خواست من از تو همانا عشق‌ورزیدن به انسان‌هاست؛ همان‌طور که من به شما عشق می‌ورزم. پس به این صورت همه خواهند دانست که تو از پیروان منی» (Wind,1965). آمبروز اسقف و یکی از چهار «عالم اعظم» (Great Doctors) در کلیسای کاتولیک رومی گفته است وقتی به نیازمندی کمک می‌کنید «بخشی از داشته‌هایت را به آن نمی‌بخشی، چیزی را به او می‌بخشی که از آنِ خود اوست؛ زیرا چیزی را که برای استفاده همه ما بخشیده شده است، به تصرف خود درآورده‌ای» (سینگر، ۱۴۰۰هـ.ش، ص ۶۶ - ۶۷).

تأثیر این آموزه‌ها بر سنت خیریه و احسان در فرهنگ و تمدن غرب انکارناپذیر است. به گفته کارلتون هیز (Carlton Hayes): «تمدن غرب موجودیت خود، حس مسئولیت خود در قبال سیرکردن گرسنگان، سیراب‌کردن تشنگان، پناه‌دادن به افراد بی‌خانمان و حمایت از بیماران و زندانیان را مرهون مسیحیت است» (Schmidt,2005 :147-148). طبق همین آموزه‌ها، آبای کلیسا برای تحقق عشق به هم‌نوع و دوست‌داشتن فقرا، دست به امور خیریه زدند و سیرکردن گرسنگان، دستگیری از فقرا، کمک به درراه‌ماندگان را وظیفهٔ اخلاقی و ایمانی خود دانستند. یک مطالعه اجمالی در تاریخ عهد باستان نشان می‌دهد که در آن عصر، سنت پرداختن به فقیران بیشتر جنبه فردی داشت و کمتر شکل نهادی و سازمان‌یافته داشته است. «در عهد باستان بنیاد یا نهاد خیریه برای کمک‌کردن به نیازمندان وجود نداشت و با ظهور مسیحیت، سامان‌دادن به اوضاع فقرا و نیازمندان و بی‌خانمان‌ها از طریق ترویج فرهنگ خیرخواهی آغاز شده است» (Kennedy et al ,2008:29). درواقع دغدغه‌مندی در برابر فقیران، سنتی قدیمی در کلیساست که ریشه آن به منابع انجیلی (evangelical) مسیحیت برمی‌گردد (Löwy ,2008:228)؛ برای مثال در مصوبه شورای نیقیه (Nicaea) در سال ۳۲۴ میلادی «کلیسا موظف شد نیازهای مربوط به فقرا، بیماران، بیوه‌گان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و افراد غریب را تأمین نماید» (McGrew ,1985:135) یا جروم (Jerome) (۴۲۰-۳۴۵م) روحانی مسیحی، از فعالان کلیسا می‌خواست به امور نیازمندان، فقیران و بی‌سرپناهان و غریبه‌ها رسیدگی کنند تا شاید در قبال این کارهای خیر، مسیح مهمان ایشان شود (Jerome ,1933 :217-218) یا در حوزه امور درمانی و رسیدگی و مراقبت از بیماران، شارلمانی (Charlemagne) (۸۱۴-۷۴۲م) پادشاه مشهور فرانک‌ها، دستور داد هر بیمارستان باید در ارتباط با یک کلیسا یا صومعه مرکزی اداره شود (Nesbitt,1996:114).

به گفته ویل دورانت در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی کمک‌های خیریه رشد زیادی پیدا کرد. سنت صدقه‌دادن در میان مردم رواج یافت. بسیاری از ثروتمندان اموال خود را وقف کلیسا و امور خیریه می‌کردند. غذای رایگان بین نیازمندان تقسیم می‌شد. در غالب موارد کلیسا مدیریت امور خیریه را بر عهده می‌گرفت (دورانت، ۱۳۹۱). کشیشان کلیسا اغلب نمونه‌های خیّر (Charitableness) شناخته می‌شدند؛ حتی بسیاری از عامهٔ غیرروحانی (laity) نیز خیّرانی ریشه‌دار بودند (Jones,2005:76). برخی کلیساها و مکان‌های مذهبی وجود داشت که در زمان‌های خاصی گروه‌های بزرگی از بیوه‌زنان و تهیدستان به آنها مراجعه می‌کردند و غذا می‌خوردند. «حتی گاهی جمعیت این نیازمندان چنان زیاد بود که از شنبه‌شب در کلیسا می‌خوابیدند تا بتوانند در روز یک‌شنبه غذا دریافت کنند» (Brown, 2002:12). به گفته هوبر (Huber) قبل از ظهور دولت مدرن، کلیساها نقش محوری در تدارک مجموعه‌ای از خدمات اجتماعی اساسی (در زمینه‌های آموزش، مراقبت سلامت، تدارکات رفاهی و حتی مسکن) بر عهده داشتند (Huber,2005:3 به نقل از غفاری و حبیب‌پور، ۱۳۹۷هـ.ش، ص ۱۱۷).

تصویر قرون وسطایی فقیر به عنوان نماینده مسیح، جانشین زمینی او، ابزار شبه الهی (quasi-divine) خیریه و درنتیجه رستگاری ثروتمندان، مدت‌ها موجب سخاوت (bountifulness)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

به فقیران شده بود. دکترین کاتولیک برزخ (The Catholic doctrine of purgatory) با تأکید بر کارهای خوب روی زمین که سرمایه معنوی را در زندگی پس از مرگ انباشته می‌کند، به تداوم این تصویر کمک می‌کرد (Jones,2005:76). از مهم‌ترین ایماژها و روایت‌هایی که از اروپای مسیحی در سده‌های میانه برجسته می‌شود، کمک‌های همیشگی اشراف و ثروتمندان به تهیدستان شهری است؛ برای مثال «خانم‌های اشراف برای قدم‌زدن عصرگاهی یا بازگشت دسته‌جمعی از مجالس، باید چند عدد سکه (Liards) در کیف خود می‌داشتند تا بین نیازمندانی که از مسیرشان عبور می‌کردند، توزیع کنند» (Jones,2005:77). تا جایی که سوزان براتون می‌گوید: «مسیحیت دین مختص فقرا نبود، بلکه دین ساکنانِ ثروتمند شهرها نیز بود که می‌توانستند به دیگران صدقه بدهند» (Bratton,2008:100). اصلاحات کاتولیک در اواخر قرن شانزدهم و هفدهم فضیلت احسان را تأیید می‌کرد. هاله مقدس فقر هنوز در قرن بعدی همچنان دست‌نخورده باقی مانده بود.

اما این تنها روایت و تصویر از این دوران نیست. پس از تحولات رنسانس، بسیاری از افرادی که با عنوان رعیت (Serf) و دهقانِ وابسته به زمین بر روی مزارع اربابان و فئودال‌ها کار می‌کردند، اکنون آزاد شده و چون دیگر نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند در روستاها و مزارع بمانند، به‌ناچار به شهرها مهاجرت کردند و چون اغلب فاقد سرمایه و مهارت و سرپناه بودند، به خیل عظیم بیکاران شهری و نیز در چهره گدا و پرسه‌زن در خیابان‌ها و میادن شهرها نمایان شدند. بسیاری از صاحبان صنایع و بنگاه‌های تجاری از این موقعیت (دسترسی راحت و ارزان به کارگران) بهره بردند. مارک کوهن (Cohen) در کتاب خود می‌گوید در این عصر: «از فقرا به عنوان نیروی کار ارزان‌قیمت استفاده می‌شد» (Cohen,2005:149). همچنین باید به جنبش موسوم به فرانسیسکن (Franciscan) اشاره کرد. این جنبش از سوی یکی از آبای کلیسا به نام فرانسیس آسیزی (Francis of Assisi) در سال ۱۲۰۹ میلادی و با رضایت و اجازه پاپ تأسیس شد و تأکید آن بر تقدیس فقر بود. به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نظر می‌رسد فعالان این جنبش چون نمی‌توانستند از لحاظ مادی و معیشتی نیاز فقیران را رفع کنند و فقرشان را برطرف کنند، می‌کوشیدند تصویری زیبا از فقر و فقیران بسازند و این انگاره که «فقرا از اغنیا به خداوند نزدیک‌ترند» را تبلیغ کردند تا تحمل مشقات و مصایب فقر را برای افراد تهیدست جامعه آسان‌تر کنند و فقیران بهتر بتوانند با فقر و ناداریشان کنار بیایند. نفوذ این انگاره و موارد مشابه آن تا سده‌های اخیرتر هم پیش آمده است؛ برای مثال در اندیشه آبه کامباسر (Abbe Cambaceres) یکی از برجسته‌ترین روحانیون فرانسه در قرن هجدهم، فقیران همچنان در برنامه مشیت و تقدیر الهی قرار می‌گرفتند. از نظر وی «وجود فقرا برای ثروتمندان ارزشمند است؛ چراکه می‌خواهد ثروتمندان حافظ فقرا باشند و فقرا ناجی ثروتمندان باشند؛ زیرا آنها را از خطرات ثروت‌های روی زمین نجات می‌دهند» (Jones,2005:76). در این مواردی که بررسی شد، آموزه‌های کاتولیکی و حاملان این گفتمان، با یک رویکرد محافظه‌کارانه و توجیه‌گرانه می‌کوشیدند مؤمنان واقعیت تلخ فقر را بپذیرند، آن را به عنوان سرنوشت مقدر خودشان درونی کنند، هیچ کنش فردی یا جمعی برای برون‌رفت از این وضعیت انجام ندهند و هیچ تحرک اعتراضی در مبارزه با فقر را سامان‌دهی نکنند. در همین راستا جامعه‌شناسِ دین، اُدی (Odea) در تحلیل کژکارکردهای دین می‌گوید: «دین ممکن است از طریق به آشتی‌کشاندن ستم‌دیدگان، از اعتراض به بی‌عدالتی جلوگیری کند» (همیلتون، ۱۳۸۷هـ.ش، ص ۲۱۱). درواقع وجود چنین اندیشه‌ها و باورهای محافظه‌کارانه و توجیه‌گرانه، نه‌تنها به ریشه‌کنی یا حتی کاهش اساسی فقر کمک چندانی نمی‌کرد، بلکه موجب تداوم، تکرار و بازتولید اشکال مختلف فقر و گرفتارآمدن مزمن و طولانی‌مدت فقرا در چرخه فقر می‌شد.

اما تحولات پسارنسانس، شرایط را تغییر داد. از اواخر سده‌های میانه و ورود به دوران جدید، به مرور تغییراتی در نوع نگاه به فقیران ایجاد شد و آنان دیگر الزاماً آن انسان‌های شریفی نبودند که ثروتمندان با کمک آنها (و کمک به آنها) می‌توانستند در راه رستگاری

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

گام بردارند. تا جایی که در برخی شهرها و در نگاه برخی افراد «فقیران به یک منبع خطر اخلاقی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شدند» (Jones,2005:76). با گذشت زمان و هم‌زمان با تحولات عصر روشنگری، کل ساختار و سازمان مسیحیت به طور عام و اندیشه و و عمل خیریه مسیحی به طور خاص به‌شدت در معرض انواع انتقادها قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین منتقدان سنت خیریه مسیحی، پی‌یر لرو (Leroux) (۱۷۹۷ - ۱۸۷۱ م) متفکر فرانسوی بود. وی دو نقد اساسی به خیریه مسیحی داشت:۱. لرو خیریه را به دلیل ناتوانی در تطبیق عشق به خود و به دیگران و به دلیل اینکه عشق به دیگران را یک وظیفه و نه نتیجه علاقه واقعی به اجتماع با دیگران می‌دانست، مورد انتقاد قرار داد (Leroux,1885)؛ ۲. او همچنین انتقاد کرد برابری هیچ نقشی در خیریه مسیحی ایفا نمی‌کند. لرو می‌خواست مفهوم همبستگی را جایگزین مفهوم خیریه کند؛ با این استدلال که ایده همبستگی در مبارزه برای جامعه عادلانهِ سازمان‌یافته، ایده‌ای تواناتر خواهد بود (Stjernø ,2004:29).

دیوید داونز باورمند است توسل به خیریه غالباً ریشه در این اعتقاد داشت که احسان چه در زندگی این جهان و چه در جهان دیگر، پاداش به دنبال خواهد داشت و مراقبت از فقرا به عنوان پتانسیل تضمین پاداش آینده و حتی پاک‌سازی گناه برای کسانی که شفقت می‌ورزند، تلقی می‌شد (Downs ,2016 :273-274). داونز از این شفت‌ورزی ثروتمندان به فقیران با عنوان «مبادله پرمنفعت (interested exchange)» تعبیر کرده است (Ibid,276). همچنین رومن گاریسون از مفهوم «دکترین انفاق رستگارانه» (doctrine of redemptive almsgiving) و احسان نجات‌بخش سخن گفته است (Garrison,1993:120) که ثروتمندان را ترغیب می‌کرد فقیران را تأمین کنند که وسیله‌ای باشد برای بازخرید و شستن گناهان گذشته‌شان (Ibid,133).

با گذشت زمان، مشکلات اقتصادی و اجتماعی اواخر قرن هجدهم در کشورهای اروپایی به‌ویژه فرانسه شدت گرفت. مشکلات جدی که فقر ناشی از شکاف بین رشد فزاینده

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جمعیت و کندی توسعه اقتصادی بود، تشدید شد و پیامدهایی نظیر ناهماهنگی اجتماعی، ناآرامی‌های سیاسی و عقب‌ماندگی اقتصادی را به دنبال آورد. بسیاری از بزرگان کاتولیک پاسخی که برای این چالش و این وضعیت داشتند، در اجرای دقیق‌تر فضیلتِ زمان‌آزمون‌شده احسان (the time-tested virtue of almsgiving) می‌دانستند. با این حال متفکران روشنگری با انعکاس دیدگاه‌های روحانی‌ستیز (anti clericalism) خود، به رد این فرض مذهبی که فقر پیامد اجتناب‌ناپذیر نقص انسان است، پرداختند و به طور نامطمئنی به فهم ریشه‌های اجتماعی فقر پرداختند و با تمجید از اشتغال به عنوان منادی انسجام اجتماعی و بازآفرینی اقتصادی، به دنبال چاره‌جویی در اقدام سازنده سیاسی و اجرایی بودند. بنابراین تأمل در قرن هجدهم در مورد ماهیت فقر در سایه بحث‌های خشمگینی انجام شد که از یک طرف شامل خیریه‌های سنتی و از دیگرسو سیستم ارزش‌های سکولارتر و خوش‌بینانه‌تری بود که متفکران روشنگری اصطلاح «نیکوکاری» (bienfaisance) را به آن منضم کردند؛ مانند بسیاری از مفاهیم کلیدی روشنگری، اصطلاح نیکوکاری که در اوایل قرن هجدهم توسط آبه دو سنت پیر (Abbe de Saint-Pierre) ابداع شد، توسط ولتر فراگیر شد. نیکوکاری در عمل به‌مثابهٔ یک «ماشین جنگی» در برابر ارزش‌های مذهبیِ پیشین بود (Jones,2-2005:1). در این دوران نقدهای جدی‌تری به خیریه مسیحی وارد شد. به نظر می‌رسید خیریه مسیحی ناتوان‌تر از آن بود که بتواند پاسخ‌گوی شرایط پیش‌آمده و انتقادات وارده باشد. منتقدان ماهیت انحصاری خیریه و اینکه تشکیلات کلیسا با مرزبندی و تفکیک بین پیروان کلسیا و دیگران، خدمات ارائه‌شده را فقط به جامعهِ هدف خود (مؤمنان فقیر) محدود و محصور می‌کردند. از دیگرسو گویا رستگاری روحی و معنوی خیّرین مهم‌تر از زندگی و گذران معیشت فقرا بود. فقرا به‌مثابه یک ابزار و میانجی می‌بایست باعث رستگاری خیّرین و ثروتمندان می‌شدند. به این فهرست می‌توان موارد دیگری افزود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کالین جونز (Jones,3-2005:2) مهم‌ترین نقدهای روشنگری به خیریه مسیحی را در پنج گزاره شکل‌بندی کرده است:

۱. منتقدان در مقابل تمایل ظاهراً جهان‌شمولِ خیرخواهیِ مسیحیت برای مواجهه با رنج بشری، سرشت بخش‌گرایانه (sectarian) و فرقه‌گرایانه (denominational) خیریهٔ مسیحی را برجسته کرده‌اند.

۲. خیریه بیشتر به امور معنوی اختصاص داشت تا رفاه مادی فقیران. همچنین سرنوشت دنیایی (معیشتی) گیرنده را کمتر از نجات‌دهنده می‌دانست. خیریه روشی برای تسکین روح خیّر و برای زندگی پس از مرگ بود و گیرنده صرفاً وسیله‌ای اتفاقی برای رسیدن به این عاقبت‌بخیری بود. بنابراین در نقدهای عصر روشنگری، ایده خیریه و مؤسسات خیریه به عنوان یک عمل خودپسندانه و حتی غیرسخاوتمندانه (ungenerous) نقد شد.

۳. خیریه یک فضیلت گاه‌به‌گاه و برحسب در دسترس‌پذیری و حسن نیت اهداکنندگان بود و میزان بروز و تأثیر آن بر نیازها متفاوت بود. از سوی دیگر «نیکوکاری» یک فعالیت منطقی و روش‌مند بود که در پی پاسخ مناسب به رنج بر حسب شرایط بود و عمل‌گرایی اطمینان‌بخشی از خود نشان می‌داد و تصور می‌شد با خیریه‌گرایی مؤسسات مذهبی در تضاد است. ماهیت نامنعطف و خیّرمحورِ (donor-orientated) مؤسسات خیریه مذهبی، آنها را در دوره‌ای از دگرگونی‌های سریع اجتماعی مانند اواخر قرن هجدهم، در پاسخ به شرایط اجتماعی متغیر ناتوان‌تر نشان داد.

۴. به طور خاص استدلال شده است که خیریه در تمایزگذاشتن بین مصادیق فقرای مستحق (بیوه‌زنانِ سالخورده) و فقیران ناتوان و فقیران نامستحق (افراد ولگرد و بیکار) ناتوان است. از نظر منتقدان عصر روشنگری، خیریه‌های مسیحی به جای کاهش فقر، فقط تجویزی برای کارهای دلسردکننده، اسراف، سستی، تنبلی، طفره‌رفتن از کار و زندگیِ همراه رذیلت بودند و مشکل فقر تشدید را می‌کردند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۵. همچنین مفهوم فقیران مستحق جنبه جغرافیایی و جامعه‌شناختی داشت؛ مثلاً بسیاری از مناطق دورافتاده که آشکارا نیاز به کمک داشتند، بدون امکانات رفاهی و امدادی بودند؛ درحالی‌که مناطق ثروتمند انبوهی از خیریه را داشتند. درنهایت اینکه اخلاقِ کاری سخت‌کوشانه‌ای از سوی طرفداران نیکوکاری روشنگری موعظه شده بود، باعث انتقادهای فراوانی علیه مؤسسات خیریه‌ای فقرا می‌شد.

با گذشت چند قرن، تشکیلات کلیسا ضمن نهادی‌شدن، با رویکرد فراگیری و حداکثری شدن خود (تمام امور دنیوی را تحت سیطره آموزه‌های دینی کلیسا آوردن)، بسیار عریض و طویل و از اهداف اولیه خود بسیار دور شده بود. پس از تحولات عصر رنسانس و متعاقب آن جنبش اصلاح دین، عصر روشنگری، انقلاب صنعتی، انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی منجر به تغییرات بزرگی در عرصه جهان مسیحیت کاتولیکی شد. نهاد کلیسا و متولیان امور دینی تمامیت‌خواه آن، هم مسبب تمام بحران‌ها و مصایب جوامع مسیحی شناخته می‌شدند و هم در برابر این تهاجمات در موضع تدافعی قرار گرفتند و توان مقابله یا بازسازی را در خود نمی‌دیدند.

تولد کاتولیسیسم اجتماعی

به دنبال تحولات جدیدتر در قرن نوزدهم، شرایط برای تولد مسیحیت اجتماعی (کاتولیسیسم اجتماعی) فراهم شد. شارل ژید (Charles Gide) (۱۸۴۷ - ۱۹۳۲ م) اقتصاددان تعاون‌گرای فرانسوی و از بنیان‌گذاران و شارحان «مسیحیت اجتماعی» بیان می‌کند که این جریان نخست در واکنش به گسترش سوسیالیسم و رویکرد مادی‌گرا و ضدمسیحی آن و سپس به دلیل بیداری وجدان مؤمنان مسیحی به خاطر قصور و کوتاهی در عمل‌کردن به تکالیف دینی خود در حوزه مسائل این جهانی نظیر بازخواست خود مبنی بر اینکه آیا کلیسا به مسیح خیانت نکرده است؟ آیا کلیسا از رسالت زمینی خود غفلت نکرده است؟ متولد شد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

(ژید و رست، ۱۳۹۵هـ.ش، ص ۲۱۶ - ۲۱۷). در اهمیت ظهور و نفوذ کمونیسم در پویایی کلیسای کاتولیک باید گفت تا پیش از این آبا و پیروان کلیسا توجه به فقیران را (در فقدان رقیب و هماورد) از باب تکلیف دینی و عمل به کتاب مقدس تلقی می‌کردند؛ اما در عصر تکوین کاتولیسیسم اجتماعی، رقیب قدرتمندی به نام کمونیسم سر برآورده بود که هدف اصلی خود را نابودی نظام سرمایه‌داری، محو فقر و نابرابری، تحقق عدالت اجتماعی، دفاع از فرودستان و کارگران اعلام کرده بود. همین امر نیروی محرکه مؤثری بر تکاپوهای اجتماعی مسیحیت شد. به نظر می‌رسد افزون بر دو عامل پیش‌گفته، بتوان نقش سه عامل دیگر را در ظهور مسیحیت اجتماعی مؤثر دانست: ۱. تحولات فزاینده صنعتی و سیاسی و اجتماعی اواخر قرن هجدهم و سراسر قرن نوزدهم که منجر به فروپاشی سازمان اجتماعی سنتی و نظم کهن گذشته شد، درحالی‌که نظم جدید و نظام ارزشی مرتبط به آن هنوز به طور کامل استقرار نیافته بود. از پیامدهای این وضعیت پیدایش انواع مسائل اجتماعی نظیر فقرِ تشدیدشونده، قحطی، گرسنگی، مهاجرت، بی‌خانمانی، آوارگی و بی‌پناهی، انواع جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی بود؛ ۲. اندیشه و رویکرد اقتصاد سیاسیِ سرمایه‌داری که با ماهیت سوداگرانه خود به شکاف‌های طبقاتی، اقتصادی و اجتماعی دامن می‌زد و منجر به افزایش نابرابری‌های اجتماعی می‌شد؛ ۳. جدایی و فاصله‌گرفتن کلیسا از قدرت سیاسی (چه به اضطرار یا اختیار) که فرصت و فراغ بال بیشتری برای پرداختن به مسائل اجتماعی را برای کلیسای کاتولیک فراهم کرد. مجموع این شرایط و عوامل موجب شد نهاد کلیسا دست به بازسازی خود بزند؛ به طوری که کلیسای کاتولیک هم به صورت عملی و هم نظری نسبت خود را با امر اجتماعی تعریف کرد و «دکترین اجتماعی مسیحیت تدوین شد و به دنبال آن جریاناتی مثل "کاتولیسیسم اجتماعی" یا "آموزه‌های اجتماعی کلیسای کاتولیک" شکل گرفت» (شریعتی، ۱۴۰۰هـ.ش، ص ۸).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مضمون اصلی کاتولیسیسم اجتماعی، پیوند با مسائل اجتماعی، ورود به مسئله فقر (فقرزدایی به جای فقیرنوازی) و تلاش عملی برای محرومیت‌زدایی از تهیدستان و کارگران بود. یادآوری این نکته لازم است که «عنوان مسیحیت اجتماعی را ابتدا پروتستان‌های مسیحی استفاده کردند؛ چراکه آنها به دنبال تقریب‌گرایی بودند و وحدت میان همه مسیحیان را در توجه به فعالیت‌های اجتماعی طلب می‌نمودند. در برابر آنها، کاتولیک‌ها از عنوان کاتولیسیسم اجتماعی استفاده می‌کردند. اما همه آنها راه‌حل مسائل اقتصادی و اجتماعیِ زمان خویش را در بازگشت به تعالیم مسیحیت جستجو می‌کردند» (ذاکری، ۱۴۰۰هـ.ش، ص ۱۴۰ - ۱۴۱).

پیوند فرد با مسئولیت‌های اجتماعی، بیدارکردن حس مسئولیت اجتماعی در بین کاتولیک‌ها، نقد جریان‌های موجود و در یک کلام، آموزه‌های اجتماعی کاتولیک (Catholic Social Teachings) (CST) در مرکز برنامه‌ها و اهداف مسیحیت اجتماعی قرار گرفت؛ مثلاً نقدشان به سنت‌گرایان مسیحی این بود که «سنت‌گرایی می‌خواست مسئله اجتماعی را با اثرگذاشتن بر انگیزه‌های فرد و با داعیه ارشاد اخلاقی مستقیم حل‌وفصل کند؛ با احیای ارزش "عزت نفس" نزد ندارها و توجه به غم‌خواری نزد داراها» (دونزلو، ۱۳۹۵هـ.ش، ص ۱۳۲ - ۱۳۳). ژید تفاوت رویکرد مسیحیت اجتماعی با رویکرد اجتماع‌گرایان را در کانون توجه قرار داد. مسیحیت اجتماعی مانند اجتماع‌گرایان اعتقاد ندارند که برای ایجاد جامعه جدید کافی باشد که شرایط اقتصادی و محیط را تغییر داد. مسیح به کسانی که از او می‌پرسیدند ملکوت الهی چه زمانی فرا می‌رسد، جواب می‌داد: «ملکوت الهی با جلال و طنطنه ظاهر نمی‌شود، او درون خود شماست»؛ یعنی می‌خواست بگوید عدالت اجتماعی حکم‌فرما نمی‌شود مگر آنکه قبلاً در دل‌ها استقرار یابد (ژید و رست، ۱۳۹۵هـ.ش، ص ۲۱۹). درواقع آموزه‌های دینی و اخلاقی مسیحیت کاتولیک در مورد کمک به فقرا و محبت‌ورزیدن به دیگران (که در

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بخش‌های آغازین این نوشتار بیان شد) از سوی اندیشمندان جریان مسیحیت اجتماعی بازخوانی و تفسیر مجدد شد. رفع فقر و کمک به دیگران نه از باب تکلیف صرفِ اخلاقی و دینی و نه از باب رستگاری آن‌جهانی، بلکه انگیزه و مبنایی شد برای تغییر جامعه و جهان و مبارزه با اشکال ناپسند تهیدستی و نابرابری‌های اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی. «شرایط تغییریافته وضعیت جدیدی را ایجاد کرد و در قرون سپری‌شده کلیسا غریزه خردِ مادرانه خود را با آمادگی خود برای انطباق کارهای اولیه خود با منابع و نیازها معاصر نشان داد» (I. M. O'R ,1905:443). از نظر سورن دُسنرد (Dosenrode) این آموزه‌ها الهام‌بخش سنت مهمی از ادبیات دینی و الهیات اجتماعیِ اعتراضی مسیحیت با محوریت ایده‌هایی همچون مبارزه با فقر، نابرابری و بی‌عدالتی بوده است (دسنرد، ۱۳۹۶). کلیسای کاتولیک کل آموزه‌های اجتماعی خود در رابطه با همبستگی، توجه به دیگری، کاستن شکاف‌های طبقاتی را فرموله و صورت‌بندی کرد و در سطح عملی به این علت که از حوزه سیاست کنار کشیده یا بیرون رانده شده بود، شبکهٔ عظیم ساماندهی اجتماعی را برای پرداختن به مسائل مشخص جامعه مثل فقر، بی‌خانمانی و نابرابری سامان داد. به طوری که امروزه در جوامع مسیحی به‌ویژه حوزه جغرافیایی وابسته به کلیسای کاتولیک «مراکز متعددی وابسته به کلیسا وجود دارند که به همهٔ مردم جامعه، اعم از مؤمن و غیرمؤمن خدمات اجتماعی مانند کار، رفاه، سلامت و عمران ارائه می‌دهد» (شریعتی، ۱۳۹۳).

مقامات پاپی تأثیرگذار بر تکوین کاتولیسیسم اجتماعی

در حوزه نظریه‌پردازی و کنش‌گری کلیسای کاتولیک در عرصه مسائل اجتماعی، در درجه اول نقش پاپ لئوی سیزدهم (Pope Leo XIII) (۱۸۷۸ - ۱۹۰۳ م)، پاپ پیوس یازدهم (Pius XI) (۱۹۲۲ - ۱۹۳۹ م) و سپس چند پاپ دیگر بسیار دارای اهمیت است. برجسته‌ترین مقام پاپی در حوزه آموزه‌های اجتماعی کاتولیک، لئوی سیزدهم است که می‌توان وی را

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

«بنیان‌گذار عصر جدید در تاریخ کاتولیسیسم» معرفی کرد. لئو در سال ۱۸۹۱ میلادی در اقدامی منحصربه‌فرد، با انتشار بیانیهٔ (encyclical) پاپی موسوم به «امور جدید» (Rerum Novarum) دست به یک بدعت زد. «تأثیر "امور جدید" بر آموزش و عمل کاتولیک بیشتر در "آموزه‌های اجتماعی" کلیسا آشکار است که به روش‌های مختلف بیانیه را سند بنیان‌گذاری آن معرفی می‌کند (Boyle ,2019).

لئوی سیزدهم در «امور جدید» با پرداختن به مسائل اجتماعی حساس که با ظهور صنعت و طبقه کارگر همراه بود، کلیسا را به روی مدرنیته گشود. او اتحاد قدیمی بین تاج و تخت و محراب (Rerum Novarum) (سلطنت و کلیسا) را منسوخ اعلام کرد و دغدغه‌های کلیسا را برای اعمال شفقت و عدالت در جامعه تکرار و احیا نمود. فقیران و مستضعفان به رسمیت شناخته شدند و در دستور کار کلیسا قرار گرفتند. وی تأکید کرد افراد ثروتمند موظف به انفاق به نیازمندان هستند و کلیسا باید خود را موظف به ترویج کمک نظام‌مند به فقرا بداند.

وی نگرانی‌های خود را در مورد وضعیت طبقه کارگر ابراز کرد و خواستار دستمزد عادلانه شد و استدلال کرد که کلیسا باید بیشتر درگیر بهبود مشکلات اجتماعی باشد و متأسف بود که اصناف قدیمی و دیگر نهادهایی که مردم را متحد کرده بودند، در حال فروپاشی هستند و مبارزه طبقاتی جایگزین احساس وابستگی متقابل و درک متقابل شده است. طبقات مختلف باید در هماهنگی و تعادل با هم زندگی کنند (Stjernø ,2004:64).

لئو با بیانیهٔ امور جدید، خروج کلیسای کاتولیک از انزوا و حضور اجتماعی آن را کلید زد و با این کار تا حدود زیادی نگرش کلیسا و مؤمنان کاتولیک به جهان اجتماعی و جهان به کلیسا را تغییر داد. امور جدید شامل نظریات جدیدی بود که مبانی رویکردهای اجتماعی کلیسا را در مسائل اجتماعی جدید نشان می‌داد. «در بیانیهٔ لئوی سیزدهم اخلاقیات شخصی و آموزه‌های اجتماعی کلیسا، به عنوان راه‌حل مسائل اجتماعی و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

راه برون‌رفت از وضعیت موجود، معرفی شده و وظیفه دولت حفاظت از منافع عمومی و حقوق فقرا و کارگران تعریف شده بود» (Sniegocki,2009:108). از نظر لئو، بهترین راه حفظ منافع و مطالبات کارگران (نظیر برقراری نظام دستمزدهای عادلانه، کاهش ساعات کار، ممنوعیت به‌کارگیری کودکان)، ایجاد انجمن‌های میانجی و سازمان‌هایی نظیر اتحادیه‌های کارگری بود (O'Malley,1999:258). همچنین بیانیه لئو در مورد پیامدهای تفکر کمونیسم، وضعیت مبارزه طبقاتی و جایگاه مالکیت خصوصی صحبت کرده است (Boileau,2003:135).

چهار دهه بعد از انتشار «امور جدید»، در میانه دو جنگ و پس از بحران فراگیر نظام سرمایه‌داری (۱۹۲۹ - ۱۹۳۷)، پاپ پیوس یازدهم با تأیید کارهای لئوی سیزدهم، بیانیهٔ «چهلمین سال» (Quadragesimo Anno) مشهور به «لزوم بهبود وضعیت کارگران» را خطاب به آبای کلیسا صادر کرد. بیانیهٔ چهلمین سال از بسیاری جهات به‌ویژه در انتقاد از نظام سرمایه‌داری و اقتصاد بازار، سیاسی‌تر و انضمامی‌تر از بیانیهٔ لئوی سیزدهم بود و بسیاری از کاتولیک‌ها را متقاعد کرد کلیسا باید نیروی محرک و عامل تغییر اجتماعی در جامعه باشد. وی همچنین به بازتعریف نقش اجتماعی جامعه، دولت و نهادهای جامعه مدنی پرداخت. پیوس یازدهم در سال ۱۹۳۷ میلادی بیانیه پاپی دیگری با عنوان «نجات‌دهنده الهی؛ در مورد کمونیسم الحادی» (Divini Redemptoris; On Atheistic Communism) منتشر کرد و از خطر بسیار قریب‌الوقوع سقوطِ دوباره به دوران وحشی‌گری هشدار داد و بیان داشت رسالت صحیح و اجتماعی کلیسا، دفاع از حقیقت، عدالت و همهٔ آن ارزش‌های ابدی است که کمونیسم نادیده گرفته و به آنها حمله کرده است (Pio XI ,1937).

پس از لئو و پیوس، چند پاپ دیگر نیز در حوزه مسائل اجتماعی (فقر و نابرابری، وضعیت کارگران، وظیفه ملل ثروتمند در قبال ملت‌های فقیر، نقد نظام سرمایه‌داری، جمعیت،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

محیط زیست، خانواده) و عدالت اجتماعی[۱] فعالیت‌های چشمگیری انجام دادند که برای پرهیز از اطاله کلام، به همین موارد بسنده می‌شود.

نتیجه

مسئلهٔ اصلی و پرسش کانونی پژوهش حاضر این بود که چرا و چگونه سنت اخلاقی فقیرنوازی کلیسای کاتولیک به اتخاذ رویکردهای اجتماعی عدالت‌خواهانه و فقرزدایانه تحول یافت؟ ذیل این مسئله چند پرسش مطرح شد: جایگاه امور خیریه در اندیشه و عمل مسیحیان کاتولیک چه فرازوفرود تاریخی داشته است؟ چه نقدهایی را می‌توان بر سنت مذهبیِ فقیرنوازی بر کلیسای کاتولیک وارد کرد؟ تحولات فکری و اجتماعی مابعد نوزایی و نیز تغییرات سریع اجتماعی و سیاسی قرون نوزده و بیست چه تأثیراتی بر اتخاذ رویکرد اجتماعی در کلیسای کاتولیک داشته است؟

باید گفت در طول تاریخ کهن مسیحیت، سنت خیریه و دستگیری از فقیران همیشه مورد تأکید بوده است. آیات فراوانی در متون مقدس و در سخنان قدیسان مسیحی درباره تقویت ایمان فردی و رستگاری مؤمنان، تکریم و دوس‌داشتن فقیران وجود دارد. به تصریح بیشتر مورخان تاریخ مسیحیت، تأثیر این آموزه‌ها بر سنت خیریه کلیسایی (ارائه خدمات رفاهی و معیشتی به فقرا و ناتوانان) در فرهنگ و تمدن غرب انکارناپذیر است. اما با گذشت زمان این فقیرنوازی و مهرورزی شکلی متصلب به خود گرفت. آبای کلیسا با تفاسیر محافظه‌کارانه و توجیه‌گرانه از متون مقدس، فقر و فقیر را در تاریخ و فرهنگ جوامع مسیحی تثبیت کردند. درواقع وجود این سنخ تفاسیر نه‌تنها به حذف یا حتی کاهش محسوس فقر کمک چندانی نکرد، بلکه موجب تکرار و بازتولید صُور مختلف فقر و اسیرشدن طولانی‌مدت فقیران در چرخهٔ فقر شد. آموزه‌های دینی کلیسای کاتولیک و حاملان آن با تفاسیر محافظه‌کارانه و توجیه‌گرانه می‌کوشیدند نه‌تنها

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پیروان کلیسا واقعیت تلخ فقر را بپذیرند، بلکه آن را سرنوشت مقدر خودشان بدانند و هیچ تلاش هدفمند فردی یا جمعی و هیچ حرکت اعتراضی اجتماعی در مبارزه با فقر را سامان ندهند.

مهم‌ترین نقدها به خیریه مسیحی را می‌توان این‌گونه صورت‌بندی کرد: ۱. ناتوانی خیریه به دلیل تلقی‌کردن عشق به دیگران به عنوان یک وظیفه اخلاقی و نه نتیجه علاقه واقعی به اجتماع با دیگران؛ ۲. نبود ایدهٔ برابری در خیریه مسیحی و غیبت آن در مبارزه برای تحقق جامعه عادلانه؛ ۳. ماهیت انحصارگرایانه خدمات خیریه‌ای کلیسا و تخصیص کمک‌ها به فقیران مؤمن از طریق مرزبندی هویتی بین پیروان کلسیا و دیگران؛ ۴. مقدم‌دانستن رستگاری روحی خیّرینِ ثروتمند بر زندگی مادی و گذران معیشت فقیران و نیز تلقی ابزاری از فقرا در فرایند رستگاری خیّرین و ثروتمندان؛ ۵. ماهیت نامنعطف و خیّرمحورِ مؤسسات خیریه مذهبی در زمانه دگرگونی‌های سریع اجتماعی؛ ۶. ناتوانی خیریه کلیسا در تمایزگذاشتن بین موارد فقرای مستحق (سالخوردگان و ناتوانان) و فقرای نامستحق (ولگردان و گدایان) و درنتیجه تجویز تنبلی و طفره‌رفتن از کار به عنوان پیامدهای ناخواسته و قصدناشده خیریه‌گرایی؛ ۷. توزیع نامناسب جغرافیایی و جامعه‌شناختی امکانات رفاهی و امدادی خیریه‌ها.

با گذشت زمان، تشکیلات و ساختار کلیسا ضمن نهادی‌شدن و پیوند با دستگاه قدرت، با درپیش‌گرفتن رویکرد حداکثرگرایی خود و تلاش برای زیر چتر کلیسا درآوردن همه شئون جوامع مسیحی، بسیار عریض و طویل شده و از اهداف اولیه خود بسیار دور شده بود. با تحولات عصر پسارنسانس و در پی آن جنبش اصلاح دین و طغیان علیه آبای کلیسا، عقلانیت عصر روشنگری، ظهور انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی منجر به تغییرات بزرگی در گستره جهان مسیحیت شد. سازمان کلیسا و متولیان مذهب کاتولیک با رویکرد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

حداکثرگرایانه خود، هم عامل اصلی تمام مصایب جوامع مسیحی شناخته می‌شدند و هم در برابر این تهاجمات در موضع تدافعی قرار گرفتند و یارای مقابله را در خود نمی‌دیدند. به دنبال این تحولات، مجموعه‌ای از عوامل و شرایط بیرونی و درونی بر نهاد کلیسا تأثیر گذاشت و کلیسا با اتخاذ رویکردی اجتماعی، حیاتی دوباره یافت. به نظر می‌رسد بتوان نقش پنج عامل در ظهور مسیحیت اجتماعی (کاتولیسیسم اجتماعی) مؤثر دانست: ۱.واکنش به گسترش و نفوذ روزافزون سوسیالیسم و رویکرد مادی‌گرا و ضد مسیحی آن؛ ۲. بازخواست و بیداری وجدان مؤمنان مسیحی به دلیل غفلت و کوتاهی در عمل‌کردن به تکالیف دینی خود؛ ۳. تحولات فزاینده صنعتی و اجتماعی قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی و سپس پدیدآیی انواع مسائل اجتماعی (فقرِ شدید، بی‌خانمانی و نابرابری)؛ ۴. اقتصاد سیاسیِ سرمایه‌داری که منجر به افزایش شکاف‌های طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی می‌شد؛ ۵. جدایی کلیسا از قدرت سیاسی و پیدایش فرصت بیشتر برای پرداختن به مسائل اجتماعی.

با تولد کاتولیسیسم اجتماعی، عدالت اجتماعی و پیوند فرد با مسئولیت‌های اجتماعی در صدر برنامه‌های کلیسای کاتولیک قرار گرفت. درواقع آموزه‌های دینی و اخلاقی مسیحیت در مورد کمک به فقرا و محبت‌ورزیدن به همسایه (هم‌نوع)، توسط اندیشمندان جریان مسیحیت اجتماعی مورد بازخوانی قرار گرفت. رفع فقر و کمک به دیگران نه از باب تکلیف صرفِ اخلاقی و دینی و نه از باب رستگاری آن جهانی، بلکه انگیزه و مبنایی شد برای تغییر مناسبات این جهان و مبارزه با اشکال ناپسند فقر و اعتراض به نابرابری‌های اجتماعی. در پایان باید گفت مفهوم کاتولیسیسم اجتماعی - که به تحولات اواخر قرن نوزدهم تا کنون اشاره دارد - چند تفاوت اساسی با سنت خیریه‌گرایی کلیسایی پیش از خود دارد:

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱. در تاریخ مسیحیت، مفهوم خیریه مذهبی بیشتر جنبه توصیه اخلاقی و دستور دینی و کنش‌های فردی داشته است؛ اما در دوران کاتولیسیسم اجتماعی بیشتر جنبه اجتماعی - ساختاری و انتقادی داشته است.

۲. تا پیش از این هدف آبای کلیسا بیشتر توجه به فرد فقیر و محبت به او بود و کمتر به ریشه‌های فقر می‌پرداخت و مفهومی به نام عدالت اجتماعی در گفتار اصحاب کلیسا غایب بود؛ اما کاتولیسیسم اجتماعی بیشتر بر رفع و کاهش فقر، مبارزه با بی‌عدالتی، تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی، توجه به ساختارهای اجتماعی مولدِ فقر و نابرابری متمرکز شده است. درواقع پرداختن و در دستور کار قراردادن دوگانه فقیرنوازی/ فقرزدایی، وجه تمایز این دو دوره است.

۳. تا پیش از کاتولیسیسم اجتماعی، فقر نه‌تنها تقدیس می‌شد، بلکه وجود فقر و افراد فقیر برای جامعه «ضرورت کارکردی» داشت و فقرا افرادی دانسته می‌شدند که می‌توانستند باعث رستگاری روحانی و عاقبت‌بخیری ثروتمندان شوند؛ به تعبیر دیگر اگر پدیده فقر و افراد فقیر وجود نداشت، تکلیف رستگاری ثروتمندان چه می‌شد؟ اما در کاتولیسیسم اجتماعی، فقر دیگر نه‌تنها تقدیس نمی‌شود، بلکه یک پدیده منفور اجتماعی و محصول نظامی از نابرابری‌های اجتماعی است که می‌بایست در حذف یا کاهش آن کوشید. همچنین فقرا نه‌تنها آیت خدا و ابزار رستگاری نیستند، بلکه محصول یک اقتصاد سیاسی منفعت‌طلب و برایند نهاییِ ساختارهای اجتماعی نابرابر هستند که باید با اصلاحات و تغییرات اساسی، در جهت بهبود آن کوشید.

۴. در گذشته سنت فقیرنوازی و توجه به تهیدستان، با نگاهی هویت‌مآبانه و ایجاد دوگانه درون‌گروه (فقیران مؤمن و مسیحی)/ برون‌گروه (فقیران غیرمؤمن و خارج از کلیسا) انجام می‌شد و کلیسا خدمات خود را فقط به فقیران هم‌کیش ارائه می‌داد؛ اما در پرتو گفتار

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کاتولیسیسم اجتماعی و با اتخاذ رویکرد اجتماعی، خدمات خود را بدون لحاظ‌کردن مرزبندی‌های مذهبی و ایمانی به همهٔ نیازمندان ارائه می‌دهد.

۵. همگام با تحولات جدید و پیدایش مسائل اجتماعی نوپدید (نظیر محیط‌زیست، فاصله و شکاف میان جهان ثروتمند و فقیر، مسائل توسعه‌نیافتگی، فناوری‌های جدید، رشد جمعیت، جنگ و صلح) کلیسای کاتولیک هم در مسیر رسالت اجتماعی خود به این مسائل حساس شده و واکنش نشان داده است.

پی نوشت ها

۱. برای نمونه رابرت فاستیگی معتقد است «سنت عدالت اجتماعی کاتولیک در زمان لئوی سیزدهم با قدرت ظهور کرد و تاکنون ادامه دارد» (Fastiggi, ۲۰۰۷:۱۵۳).

کتاب‌نامه

ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۷ هـ.ش). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. چ ۴. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

دسنرد، سورن. (۱۳۹۶ هـ.ش). مسیحیت و اعتراض در سده بیستم. ترجمه: جعفر فلاحی. تهران: نگاه معاصر.

دنزولو، ژاک. (۱۳۹۵ هـ.ش). ابداع امر اجتماعی. ترجمه: آرام قریب. تهران: نشر شیرازه.

دورانت، ویلیام جیمز. (۱۳۹۱ هـ.ش). تاریخ تمدن؛ عصر ایمان. ترجمه: ابوطالب صارمی و دیگران. چ ۴. تهران: علمی و فرهنگی.

ذاکری، آرمان. (۱۴۰۰ هـ.ش). همبستگی اجتماعی و دشمنان آن. تهران: نشر نی.

ژید، شارل؛ و شارل ریست. (۱۳۹۵ هـ.ش). تاریخ عقاید اقتصادی؛ از مکتب تاریخی تا جان مینارد کینز. ترجمه: کریم سنجابی. ج ۲. چ ۴. تهران: دانشگاه تهران.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سینگر، پیتر. (۱۴۰۰ هـ.ش). دیگردوستی مؤثر. ترجمه: آرمین نیاکان. تهران: نشر نی.

شریعتی، سارا. (۱۳۹۲ هـ.ش). «فقر چالشی برای دین». ماهنامه چشم‌انداز ایران. ش ۸۴. ص ۸۲ - ۸۴.

ـــــــ . (۱۳۹۳ هـ.ش). «امام موسی صدر الگوی مرجعیت اجتماعی». سخنرانی در همایش نیم قرن تکاپو، تاریخ ۱۷دی، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

ـــــــ . (۱۴۰۰ هـ.ش). «دکترین اجتماعی تشیع». فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی. س ۲۴. دوره ۱. ش ۸۶. ص ۸ - ۹.

غفاری، غلامرضا؛ و کرم حبیب‌پور. (۱۳۹۷ هـ.ش). سیاست اجتماعی. چ ۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

همیلتون، ملکم. (۱۳۸۷ هـ.ش). جامعه‌شناسی دین. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات تبیان.

Brown, peter. (2001) poverty and leadership in the later Roman Empire, New England, ,Brandeis University Press.

Bratton, Susan. Power (2008) Environmental Values in Christian Art, New Jersey, SUNY Press.

Boileau, David A. (2003), Catholic Social Teaching: An Historical Perspective,Marquette University Press.

Boyle, J. (2019). Rerum novarum (1891). In G. Bradley & E. Brugger (Eds.), Catholic Social Teaching: A Volume of Scholarly Essays (Law and Christianity, pp. 69-89). Cambridge: Cambridge University Press.doi:10.1017/9781108630238.004

Cohen, Mark. (2005) The Voice of poor in the Middle Ages, New Jersey, Princeton University Press.

Cambaceres,Abbe (1854) Oeuvres completes, in Collection des orateurs sacres, edited by Abbe Migne", vol. lxv,Paris.

Downs, David J. (2016) Alms:Charity, Reward, and Atonement in Early Christianity , Texas,Baylor University Press

Fastiggi ,Robert (2007)The Contribution of Antonio Rosmini (1797-1855) to Catholic Social Thought,Catholic Social Science Review · January,DOI: 10.5840/cssr2007128.

Huber, John .D (2005) Religious belief, religious participation, and social policy attitudes across countries,. Annual Meetings of the Midwest Political Science Association, Chicago, IL.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

I. M. O'R. (1905). THE "LEO HOUSE" FOR IMMIGRANTS: A Departure in Organized Catholic Charity. Records of the American Catholic Historical Society of Philadelphia, 16(4), 443–455. http://www.jstor.org/stable/44207947

Jackson, T. P. 1999. Love Disconsoled. Meditations on Christian Charity.Cambridge: Cambridge University Press.

Jerome(1933). Select Letters, Translated by F. A. Wright, Loeb Classical Library, Harvard University Press.

Jones ,Colin (2005) .Charity and bienfaisance the treatment of the poor in the Montpellier region1740-1815, Cambridge University Press.

Kennedy, James, et al. (2008) What If Jesus Had Never Been Born, Thomas Nelson.

Leroux, P. (1885/1979/). La Greve de Samarez. Tome I. Paris: Editions Klincksieck.1985 (1840). De l'humanit´e. Paris: Fayard.

Löwy, Michael.(2008) Liberation-Theology Marxism ,in Critical Companion to Contemporary Marxism (Historical Materialism Book SeriesVolume: 16) Chapter Twelve ,pp225–232 ,ed:Bidet,Jacques,Kouvelakis,Stathis,. LEIDEN . BOSTON: Brill.

Ranganathan .S. K. and Henley.W H. (2007), eterminants of charitable donation intentions: a structural equation model, Journal of Philanthropy and Marketing, Vol. 13, Issue 1, PP: 1-11.

Riccardi, A.(1990). 'Da Giovanni XXIII a Paolo VI', in Alberigo and Riccardi (eds.).2003. Pio XXII e Alcide De Gasperi – una storie segreta. Rome and Bari: Laterza.

McGrew, R. E., & McGrew, M. P. (1985) Encyclopedia of medical history. New York, McGraw-Hill.

Nesbitt ,Mark. (1996).Through Blood & Fire: Selected Civil War Papers of Major General Joshua,Chamberlain , Publisher: Stackpole Books.

O'Malley .Jhon,W (2010). A History of the Popes From Peter to the Present, Publishers: Rowman & Littlefield, New York.

Schmidt, Alvin J. (2005) How Christianity Changed the World, MI, Zondervan.

Stjernø, Steinar (2004). Solidarity in Europe The History of an Idea, Cambridge University Press.

Sniegocki, john, (2009) Catholic Social Teaching and Economic Globalization,Marquette University Press.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Pio XI. (1931). Quadragesimo Anno. Lettera Enciclica di S.S. PiO XI. Rome: The Vatican.

Pio XI. (1937/2006). Encyclical: Divini Redemptoris; On Atheistic Communism, Publisher : Angelus Press.

Wind, H.F. (1965) Christian Social Responsibility, Retrieved June 1st, 2011 from www.lcms.org/Document.fdoc?src=lcm&id=529.

References

Boileau, David A. 2003. *Catholic Social Teaching: An Historical Perspective*. Milwaukee: Marquette University Press.

Boyle, J. 2019. "Rerum Novarum (1891)." In *Catholic Social Teaching: A Volume of Scholarly Essays (Law and Christianity)*, edited by G. Bradley and E. Brugger, 69–89. Cambridge: Cambridge University Press. https://doi.org/10.1017/9781108630238.004.

Bratton, Susan Power. 2008. *Environmental Values in Christian Art*. Albany, NY: SUNY Press.

Brown, Peter. 2001. *Poverty and Leadership in the Later Roman Empire*. Waltham, MA: Brandeis University Press.

Cambacérès, Abbé. 1854. *Oeuvres Complètes*, in *Collection des Orateurs Sacrés*, edited by Abbé Migne, Vol. LXV. Paris.

Denzolo, Jacques. 2016. *The Invention of the Social*. Translated by Aram Gharib. Tehran: Shirazeh Publishing.

Desnard, Sören. 2017. *Christianity and Protest in the Twentieth Century*. Translated by Jafar Fallahi. Tehran: Negah-e Moaser.

Downs, David J. 2016. *Alms: Charity, Reward, and Atonement in Early Christianity*. Waco, TX: Baylor University Press.

Durant, William James. 2012. *The History of Civilization: The Age of Faith*. Translated by Abutaleb Saremi et al. 4th ed. Tehran: Elmi va Farhangi.

Durant, William James. 2012. *The History of Civilization: The Age of Faith*. Translated by Abutaleb Sarmi et al. 4th ed. Tehran: Elmi va Farhangi.

Fastiggi, Robert. 2007. "The Contribution of Antonio Rosmini (1797–1855) to Catholic Social Thought." *Catholic Social Science Review* 12: 128. https://doi.org/10.5840/cssr2007128.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Ghaffari, Gholamreza, and Karam Habibpour. 2018. *Social Policy*. 3rd ed. Tehran: University of Tehran Press.

Gide, Charles, and Charles Rist. 2016. *A History of Economic Doctrines: From the Historical School to John Maynard Keynes*. Translated by Karim Sanjabi. Vol. 2. 4th ed. Tehran: University of Tehran.

Hamilton, Malcolm. 2008. *The Sociology of Religion*. Translated by Mohsen Solasi. Tehran: Tebyan Publications.

Huber, John D. 2005. "Religious Belief, Religious Participation, and Social Policy Attitudes Across Countries." Paper presented at the *Annual Meetings of the Midwest Political Science Association*, Chicago, IL.

I. M. O'R. 1905. "The 'Leo House' for Immigrants: A Departure in Organized Catholic Charity." *Records of the American Catholic Historical Society of Philadelphia* 16 (4): 443–455. http://www.jstor.org/stable/44207947.

Iman, Mohammad-Taqi. 2018. *Methodology of qualitative research*. 4th ed. Qom: Research Institute of Hawzeh and University.

Jackson, T. P. 1999. *Love Disconsoled: Meditations on Christian Charity*. Cambridge: Cambridge University Press.

Jerome. 1933. *Select Letters*. Translated by F. A. Wright. Loeb Classical Library. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Jones, Colin. 2005. *Charity and Bienfaisance: The Treatment of the Poor in the Montpellier Region 1740–1815*. Cambridge: Cambridge University Press.

Kennedy, James, et al. 2008. *What If Jesus Had Never Been Born?* Nashville, TN: Thomas Nelson.

Leroux, Pierre. 1985 (1840). *De l'Humanité*. Paris: Fayard.

Löwy, Michael. 2008. "Liberation-Theology Marxism." In *Critical Companion to Contemporary Marxism (Historical Materialism Book Series, Volume 16)*, edited by Jacques Bidet and Stathis Kouvelakis, 225–232. Leiden/Boston: Brill.

McGrew, R. E., and M. P. McGrew. 1985. *Encyclopedia of Medical History*. New York: McGraw-Hill.

Nesbitt, Mark. 1996. *Through Blood & Fire: Selected Civil War Papers of Major General Joshua Chamberlain*. Mechanicsburg, PA: Stackpole Books.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

O'Malley, John W. 2010. *A History of the Popes: From Peter to the Present*. New York: Rowman & Littlefield.

Pius XI. 1931. *Quadragesimo Anno: Lettera Enciclica di S.S. Pio XI.* Rome: The Vatican.

Pius XI. 1937/2006. *Divini Redemptoris: On Atheistic Communism*. Kansas City, MO: Angelus Press.

Ranganathan, S. K., and W. H. Henley. 2007. "Determinants of Charitable Donation Intentions: A Structural Equation Model." *Journal of Philanthropy and Marketing* 13 (1): 1–11.

Riccardi, Andrea. 2003. *Pio XII e Alcide De Gasperi – Una Storia Segreta*. Rome and Bari: Laterza.

Schmidt, Alvin J. 2005. *How Christianity Changed the World*. Grand Rapids, MI: Zondervan.

Shariati, Sara. 2013. "Poverty: a challenge for religion." *Chashmandāz-i Iran monthly* 84: 82–84.

Shariati, Sara. 2014. "Imam Musa Sadr as a model of social authority." Speech presented at *Half a Century of Effort* conference, January 7, Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute.

Shariati, Sara. 2021. "The social doctrine of Shiism." *Rushd-i āmūzish-i ʿulūm-i ijtimāʿī quarterly* 24 (1): 8–9.

Singer, Peter. 2021. *Effective Altruism*. Translated by Armin Niakan. Tehran: Nashr-e Ney.

Sniegocki, John. 2009. *Catholic Social Teaching and Economic Globalization*. Milwaukee: Marquette University Press.

Stjernø, Steinar. 2004. *Solidarity in Europe: The History of an Idea*. Cambridge: Cambridge University Press.

Wind, H. F. 1965. *Christian Social Responsibility*. Accessed June 1, 2011. www.lcms.org/Document.fdoc?src=lcm&id=529.

Zakeri, Arman. 2021. *Social solidarity and its enemies*. Tehran: Nashr-e Ney.

Archive of SID.ir